



Explaining the Concept of Beauty from Islamic Cosmological Point of View to Evaluate the Works of Architecture and Urban Planning

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Khorsand R.^{*1} MSc,
Noqrehkar A.H.¹ MSc

How to cite this article

Khorsand R, Noqrehkar A.H. Explaining the Concept of Beauty from Islamic Cosmological Point of View to Evaluate the Works of Architecture and Urban Planning. Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning. 2018;8(2):101-110.

ABSTRACT

Introduction Wherever there is beauty, there is love as well. In philosophical interpretation, love is the tendency to what man lacks, which is called "perfection". Man's soul is always trying to bring him to perfection, and beauty is an appeal for reaching perfection. Whatever apparently exists, is manifestation and blessing of holy God's nature. Man, the vicegerent of God, has descended to this material world for a short time to fulfill his spiritual origin with his knowledge and authority. The aim of this study was to explain the concept of beauty from Islamic cosmological point of view to evaluate the works of architecture and urban planning.

Conclusion The beauty is derived from the perception of the real beings perceived in the material world as the material forms by the five senses, in the sensible world with the conceptual attributes of the intellect and in the world of hereafter by the heart (soul), in terms of the power, the appearance of the existence, and the capacity of the audience. The most comprehensive description of the intrinsic tendencies of man toward absolute perfection and unique being has been expressed in the Holy Quran by presenting 100 good adjectives and names of God. Any work that has these adjectives is more complete, so it is more beautiful. Man, as the vicegerent of God on earth, in his works, including the works of architecture and urbanism, must bring these adjectives and names to manifestation, and the more these adjectives and names be manifested in his work, the more beautiful the work of architecture and urbanism, and this indicator is a measure of distinction and a comparison of beauties.

Keywords Beauty; Islamic Aesthetics; Islamic City; Principles of Beautifying

¹Environmental Design Department, Architecture & Environmental Design Faculty, Iran University of Science & Technology, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Architecture & Environmental Design Faculty, Iran University of Science & Technology, University Street, Hengam Avenue, Resalat Highway, Tehran, Iran. Post Code: 1684613114.

Phone: +98 (21) 77491243

Fax: +98 (21) 77491243

ramin_khorsand@arch.iust.ac.ir

Article History

Received: June 14, 2018

Accepted: August 23, 2018

ePublished: September 22, 2018

CITATION LINKS

[1] From aesthetics to epistemology [2] Collection of works [3] Human perceptual interaction with geometric-spatial ideas in architecture [4] Collection of works of shahid Motahari master [5] Possibility of cognition and understanding of certainty in religion [6] Introduction to Islamic identity in architecture and urbanism [7] Formation of sadrain culture theory [8] Introduction to anthropology of Mulla Sadra [9] Human expectation of religion [10] Collection of works of shahid Motahari master [11] Trace of traceless [12] Politeness, inexistence of relatives: Explanation of great comprehensive ziyarats [13] Realms of human existence from viewpoint of Allameh Tabatabai [14] Asfar [15] Religious art [16] Commentary of the dawn dua [17] Ishraq wisdom [18] Islamic city and architecture [19] The sufficient book (Kitab al-Kafi) [20] Dynamic Ijtihad methods in the teachings of the Infallible Imams [21] Theory of adoptive and ramified Ijtihad

تبیین مفهوم زیبایی از منظر جهان‌بینی اسلامی جهت ارزیابی آثار معماری و شهرسازی

رامین خورسند* MSc

گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

عبدالحمید نقره‌کار MSc

گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: هر جا "جمال" و "زیبایی" باشد، عشق هم هست. به تعبیر فلسفی عشق میل و کششی است که انسان را به سوی چیزی که کمبود داشته باشد، می‌کشد و از آن به "کمال" تعبیر می‌کنند. روح انسان می‌خواهد همواره خود را کامل کند و زیبایی جاذبه‌ای برای رسیدن به کمال است. هر آنچه به ظاهر دارای هستی است تجلیات ذات الهی است و انسان خلیفه‌الله، به عالم طبیعت هبوط نموده، تا با آگاهی و اختیار خود، عاشقانه به مبدا روحانی خویش سیر نماید. هدف پژوهش حاضر تبیین مفهوم زیبایی از منظر جهان‌بینی اسلامی به‌منظور ارزیابی آثار معماری و شهرسازی بود.

نتیجه‌گیری: زیبایی منبعث از ادراک موجوداتی حقیقی است، که در عالم ماده با صورت‌های مادی به‌وسیله حواس پنج‌گانه، در عالم معقول با صفات مفهومی به‌وسیله عقل و در عالم ملکوت به‌وسیله دل (روح)، به نسبت قوه، ظهور وجود و ظرفیت مخاطبین ادراک می‌شود. جامع‌ترین توصیف از گرایش‌های ذاتی انسان به سوی کمال مطلق و معبود یکتا در قرآن مجید با آرایه یکصد صفت حسن از صفات و اسمای حضرت حق بیان شده است. هر اثری که این صفات را بیشتر داشته باشد، وجود کامل‌تری دارد، بنابراین زیباتر است. انسان به‌عنوان خلیفه خداوند در زمین، در خلق آثار خود، که آثار معماری و شهرسازی نیز از آن جمله هستند بایستی این صفات و اسما را به ظهور و تجلی برساند و هر چه این صفات و اسما بیشتر در اثر او متجلی باشد، آن اثر معماری و شهرسازی زیباتر است و این شاخص، معیار تمییز و قیاس زیبایی‌ها است.

کلیدواژه‌ها: زیبایی، زیبایی‌شناسی اسلامی، شهر اسلامی، اصول زیباسازی

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۰۱

*نویسنده مسئول: ramini_khorsand@arch.iust.ac.ir

مقدمه

انسان در برخورد با جهان خارج تابع ارزش‌های زیباشناختی است، به‌طوری که آنچه موجب تحریک انسان شده و به‌دنبال آن موجب توجه او به عالم و موضوعات آن می‌شود، همان زیباشناختی است. انسان هیچ شیء و هیچ چیز را بدون زیباشناختی نمی‌بیند یا حس نمی‌کند و همواره به‌دنبال زیبایی و زیبایی‌آفرینی است [۱]. مساله مطرح در این باب این است که چرا مفهوم زیبایی و زیباشناختی بین افراد، جوامع و فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و چه‌بسا موضوع یا چیزی در یک دیدگاه زیبا باشد و همان زیبا در دیدگاهی

دیگر حتی زشت بنماید.

ریشه این اختلافات در شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی بسیاری از مکاتب، جوامع و فرهنگ‌ها است. اینکه جوامع و فرهنگ‌های مختلف، هستی و انسان را چگونه تعریف می‌کنند، چگونه آن را می‌شناسند و درک می‌کنند، منشا این اختلاف است، زیرا هر کدام از این معرفت‌ها مفهومی خاص از هستی و انسان آرایه می‌کنند، بر این مبنا زیبایی را تعریف و براساس آن به قضاوت می‌پردازند.

از مهم‌ترین عرصه‌هایی که انسان با آن برخورد دارد و برای درک آن ارزش‌های زیباشناختی را جستجو می‌کند، عرصه معماری و شهرسازی است. معماری و شهرسازی به تعریف محیط رفتاری برای انسان می‌پردازند، بنابراین باید دید چه محیطی را برای چه انسانی، منظور از چه انسانی یعنی چه تعریفی از انسان، تبیین می‌کنند و از این رهگذار می‌توان آثار معماری و شهرسازی را به لحاظ زیبایی ارزیابی نمود.

هدف پژوهش حاضر تبیین مفهوم زیبایی حقیقی، از منظر آنچه رسالت شهر اسلامی است، یعنی سیر به کمال، مفاهیم، اصول و در حد اختصار ابزار مدنظر در امر شکل‌دهی به شهر و زیباساختن عناصر آن بود که با روش استدلال منطقی صورت پذیرفت.

هستی‌شناسی از منظر اسلامی

هستی از منظر اسلامی عوالم متعددی دارد که در یک طبقه‌بندی کلی به چهار عالم یا چهار ساحت وجودی طبقه‌بندی می‌شود (شکل ۱) [۲]. محقق می‌شود و غیرقابل تبدیل و تحویل است. مقصد تکاملی آن تا اعلی علیین و مشاهده وجه الهی است.

عالم ملک، که عالم نفوس گیاهی و حیوانی انسان نیز هست، عالمی ناقص است، یعنی اجزا و عناصر آن در تغییر و تحولات خود کاملاً به یکدیگر وابسته هستند و این وابستگی امری جبری است. به تصریح روایات و نظریات حکمای اسلامی در تناظر مراتب وجود و عوالم چهارگانه هستی انسان موجودی مرکب شامل تمام عوالم وجود، غیر از ذات الهی است و بر این مبنا می‌تواند سیر نزولی، هبوط یا صعودی و عروج داشته باشد.

عالم لاهوت جایگاه ذات الهی است، اسما و صفات خداوند که ثابت و غیرقابل تبدیل، تحویل و مقام توحید و یگانگی است، جایگاه واجب‌الوجود، منبع، سرچشمه وجود و فیض برای ممکن‌الوجودها (یعنی سایر مراتب وجود) است.

عالم جبروت، عالم معقول است، موجودات تام مانند نفس فرشتگان، مجردات ذهنی و نفس عقلانی انسان در این جایگاه و مرتبه قرار دارد. عالم ملکوت، عالمی مکتفی است، مبدا آن از خداوند است و به سوی او نیز باز می‌گردد، نفس روحانی انسان در این جایگاه قرار دارد. یعنی استعداد‌های تکاملی آن از درون خود انسان، مبتنی بر آگاهی‌های حقیقی، اختیار نیات و اعمال خیر.



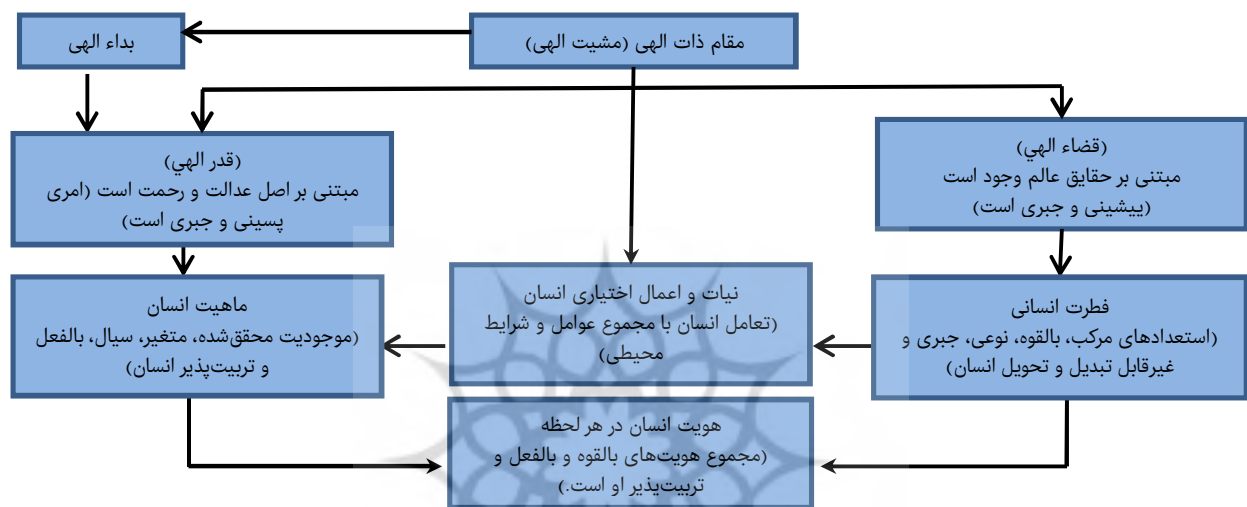
شکل ۱) عوالم وجود، مراتب نزول و صعود انسان (نگارندگان)

گیاهی و حیوانی یا جمادی در مقابل مجموع عوامل زمانی و مکانی، جبراً و بدون اختیار، سیر تحول تکوینی، درونی و غایی خود را مبتنی بر مقدرات الهی می‌پیمایند. تحولات آنها از خاک است تا حیوان (شکل ۲).

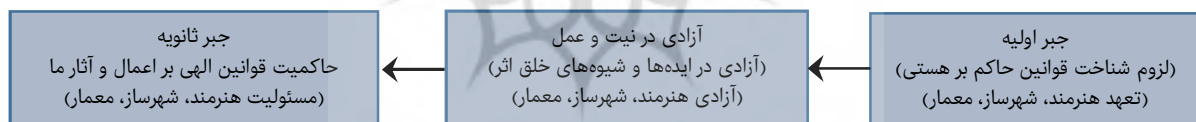
اما انسان که موجودی مختار و مرکب از عوالم هستی است به غیر از مقام ذات، سیر تحول خود را به‌صورت ارادی و اختیاری می‌پیماید و با وجود عوامل زمانی و مکانی معین که بر مبنای قضای الهی شکل گرفته‌اند، می‌تواند سیر تحول بیرونی و تکاملی داشته باشد [3]. یعنی انسان باید عالم، حقایق و روابط حاکم بر آن را بشناسد، حال مختار و آزاد است که بر مبنای شناخت خود در جهت مثبت یا منفی عمل کند و در نهایت بر مبنای قدر الهی مسئول نیت، آثار و اعمال خویش است. خلق اثر هنری، معماری، شهرسازی و زیبایی‌آفرینی نیز تابع همین قاعده است (شکل ۳).

تحولات درونی و بیرونی موجودات و انسان‌ها مبتنی بر مشیت الهی

تمامی موجودات و از جمله انسان در حال تحول، حرکت و طی‌کردن فرآیندی هستند، اما باید دید آیا این حرکت و تحول در یک نظام تصادفی، بدون جهت و غایت است یا خیر؟ مشیت الهی است که کلیه تحولات درونی و بیرونی موجودات ذیل آن تعریف می‌شود. مشیت الهی از طریق قضا و قدر، جهت‌گیری تکاملی هستی را تبیین می‌کند. قضای الهی که امری جبری است، تعیین‌کننده حقایق عالم وجود، استعدادها و قوت‌های هر کدام از موجودات است و بنابراین این امر پیشینی است. قدر الهی، همان جزا و پاداش الهی، مرتبط با نیت، موجودیت محقق‌شده و مبتنی بر اصل عدالت و رحمت خداوند است، که این نیز امری جبری و پسینی است. در این میان موجودات ملکی و ناقص، موجودات



شکل ۲) هویت بالقوه و بالفعل انسان در ذیل مشیت الهی (نگارندگان)



شکل ۳) مراحل آزادی و جبر هنرمندان، شهرسازان و معماران از دیدگاه اسلام (نگارندگان)

اذعان خواهد شد و اصولاً استدلال بر عدم یقین، خود، متضمن علم و یقین‌های فراوان است که مقدمات استدلال، شکل آن و قاعده اجتماع نقیضین از جمله این علوم است [5]. به هر حال در زمینه امکان شناخت، ابزار شناخت، حاصل معرفتی و حاصل زیبایی‌شناسی آن، چهار دیدگاه غالب وجود دارد که مقایسه و تطبیق آنها فهم خوبی از امکان شناخت، چگونگی شناخت و معرفت در اختیار می‌گذارد:

۱) شک‌گرایان: این گروه هیچ ابزار قابل اعتمادی برای شناخت قایل نیستند و اعتقاد دارند شناخت حقیقی امکان‌پذیر نیست و بنابراین برای زیبایی و زشتی معیاری ندارند.

۲) نسبی‌گرایان: این تفکر در دو گروه فردگرایان و جمع‌گرایان قابل تفکیک‌اند:

الف) فردگرایان: فردگرایان ابزارها و شیوه‌های فردی را در جهت شناخت می‌پذیرند، حاصل معرفت‌شناسی آنها حقیقت فردی است، بنابراین حاصل زیبایی‌شناسی آنها معیارهای فردی زیبایی و زشتی است و آن را قائم به شرایط فردی می‌دانند.

ب) جمع‌گرایان: به جبر تاریخی، اجتماعی و نژادی معتقد هستند.

بررسی تطبیقی انواع مکاتب انسان‌شناسی از بعد معرفت‌شناسی و

ماحصل زیبایی‌شناسی آنها

نکته قابل تامل و بحثی که از دیرباز مورد مناقشه و طرح بوده و امروز نیز هست، این است که آیا اصلاً شناخت و معرفت ممکن است؟ آیا می‌شود جهان را شناخت؟ انسان را شناخت؟ آیا می‌شود هستی را شناخت؟ این پرسش‌ها، همواره با عنوان "امکان شناخت" مورد سؤال اندیشمندان بوده است. برخی از اساس منکرند و می‌گویند شناخت برای بشر غیرممکن است، یعنی یک شناخت قابل اعتماد و اطمینان برای بشر یک امر ناممکن است، "لا ادری‌گری"، یعنی "نمی‌دانم‌گری" سرنوشت محتوم بشر است [4]. در طول تاریخ فلسفه، شبهات و سؤالات بسیاری در این زمینه مطرح بوده است و همان‌گونه که بیان شد بعضی افراد در امکان شناخت و معرفت تردید نمودند یا منکر شدند، ولی با کم‌ترین دقت و تاملی می‌توان گفت شک مطلق محال و غیرقابل تحقق است. زیرا کسی که ادعای شک مطلق دارد، در شک خود شک ندارد و اگر به علم حضوری و سر یقینی بودن آنها توجه شود، به امور یقینی و غیرقابل تردید فراوانی که هم وجود دارند و هم وجودشان عین واقع است،

اسلامی یا همان حکمت متعالیه صدرایی است. این مکتب، مکاتب قبلی به معنای مطلق بودنشان و اینکه هر کدام خود تنها راه شناخت است را رد می‌نماید و در عین حال همه را جمع می‌کند. این مکتب معرفت‌های اولیه حضوری، حواس، عقل و شهود مبتنی بر داوری وحی و کلام معصوم را توأمان ابزار و شیوه شناخت می‌داند و بدین‌جهت حاصل معرفت‌شناسی آنها علوم حصولی و علوم حضوری است و حاصل زیبایی‌شناسی ایشان، ادراک ذهنی زیبایی‌های حسی و عقلی، ادراک شهودی زیبایی‌های ملکوتی و مراتب برتر وجود است^[6] (جدول ۱).

با این تفاسیر، شناخت مساله‌ای مرتبه‌مند است، سیری عمقی دارد و در هر مرتبه‌ای می‌توان به یقین رسید که این معرفت سلسله‌مراتب یقینی است. بنابراین شناخت امکان‌پذیر است اما ابزار و شیوه‌های آن و حاصل معرفتی آنها یگانه نیست، بلکه همه ابزار و شیوه‌ها در طول یکدیگر می‌توانند انسان را از سطح هستی به عمق برتر آن و از ابعاد مادی وجود انسان به ابعاد عقلی و روحی او برسانند.

نکته حایز اهمیت در شناخت اثری است که این معرفت بر انسان و خلاقیت او می‌گذارد. پیش از این بیان شد وجود انسان دائماً در حال تحول است، این تحول، اساس نظریه‌ای با عنوان "اتحاد علم و عالم و معلوم" است که از دستاوردهای بدیع حکمت صدرایی می‌باشد، این نظریه بیان می‌دارد ماهیت وجود انسان دائماً در حال تحول است و شکل آن متناسب با محتوای نظری آن تغییر می‌کند^[7]. طبق این نظر شناخت یک فرآیند دینامیک است که طی آن وجود انسان به سوی موضوع شناخت تحول می‌یابد. به همین جهت هر چیزی در رابطه با انسان ارزش شناخت ندارد، زیرا ممکن است وجود او را فرو بکاهد. طبق این نظریه و مفاهیمی که در باب مراتب هستی بیان شد، هستی مشتمل بر مراتبی است از عالم ماده تا عوالم برتر و بنابراین جهت‌گیری شناخت انسان باید به سمت عوالم بالاتر باشد تا او را برتر آورد. بر این مبنا تأثیری که شناخت بر خلاقیت انسان می‌گذارد بدین صورت قابل تبیین است (شکل ۴).

بنابراین ابزار و شیوه‌های شناخت را وابسته به دوره تاریخی، شرایط طبقاتی و اجتماعی افراد و شرایط نژادی می‌دانند و بالتبع زیبایی و زشتی را وابسته به شرایط دوران‌های تاریخی، محدود به شرایط اقتصادی و القایات فرهنگی و سنت‌های اجتماعی و وابسته به شرایط نژادی افراد تعریف می‌کنند.

۳) میناگرایان حصری: در این دیدگاه دو گروه متفکران غیراسلامی و متفکران اسلامی قابل تمایز هستند:

متفکران غیراسلامی شامل موارد زیر هستند:

حس‌گرایان: این تفکر نیز در دو گروه زیر قابل تمایز هستند:

الف) حس‌گرایان بیرونی: این افراد حواس پنج‌گانه و تجربه بیرونی را به‌عنوان ابزار و شیوه شناخت قبول دارند، حاصل معرفتی آنها محسوسات و علوم تجربی بوده و حاصل زیبایی‌شناسی ایشان زیبایی‌های محسوس است.

ب) حس‌گرایان بیرونی و درونی: حواس پنج‌گانه و احساسات درونی را به‌عنوان ابزار و شیوه شناخت قبول دارند، حاصل معرفتی آنها محسوسات، علوم تجربی و پدیده‌های نفسانی است. بنابراین زیبایی‌های محسوس و درونی را درک می‌کنند و می‌شناسند.

۳) عقل‌گرایان: عقل را ابزار شناخت می‌دانند پس حاصل معرفت‌شناسی آنها علوم عقلی است و زیبایی‌های اولیه عقلی را می‌شناسند.

متفکران اسلامی شامل زیر هستند:

مشائین: این افراد حواس و عقل را به‌عنوان ابزار شناخت می‌دانند، حاصل معرفت‌شناسی آنها علوم بدیهی و نظری حسی- تجربی و عقلی بوده و حاصل زیبایی‌شناسی ایشان ادراک زیبایی‌های محسوس و معقول است.

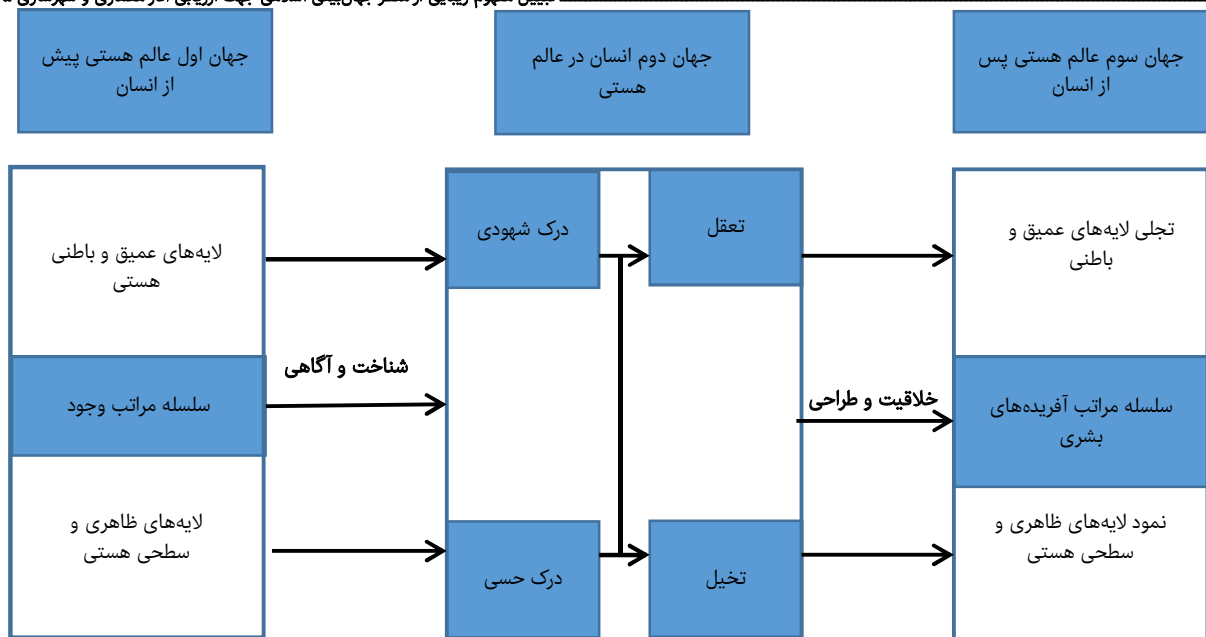
اشراقیون و عرفا: این افراد ابزار و شیوه شناخت را شهود قلبی می‌دانند، حاصل معرفتی آنها معرفت حضوری به واقعیات است، بنابراین زیبایی‌های ملکوتی را درک می‌کنند.

۴) میناگرایان جامع و مانع اسلامی

بین مکاتب ذکرشده، مکتب چهارم میناگرایان جامع و مانع

جدول ۱) بررسی تطبیقی انواع مکاتب انسان‌شناسی از بعد معرفت‌شناسی و محاصل زیبایی‌شناسی آنها (نگارندگان)

مکاتب از بعد شناخت‌شناسی	ابزار و شیوه شناخت	حاصل معرفتی شناخت	حاصل زیبایی‌شناسی
شک‌گرایان عصر باستان سوفسطائیان (لادریون) عصر جدید	عدم وجود ابزارها و شیوه‌های قابل اعتماد (تصادف و اتفاق)	عدم امکان شناخت حقیقت وجود یا راه‌های آن	بی‌معناری زیبایی و زشتی
نسبی‌گرایان فردگرایان	ابزارها و شیوه‌های فردی در هر دوره تاریخی وابسته به آن دوره	حقیقت فردی حقیقت تابعی از دوران‌های تاریخی	معیارهای فردی زیبایی و زشتی زیبایی و زشتی وابسته به شرایط دوران‌های تاریخی
جامعه‌گرایان نژادگرایان	وابسته به شرایط طبقاتی و اجتماعی افراد وابسته به شرایط نژادی	حقیقت تابعی از شرایط فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی افراد حقیقت و معرفت تابعی از شرایط نژادی	زیبایی و زشتی محدود به شرایط اقتصادی و القائات فرهنگی و سنت‌های اجتماعی زیبایی و زشتی وابسته به شرایط نژادی افراد
میناگرایان حصری حس‌گرایان بیرونی	حواس پنج‌گانه و تجربه بیرونی	محسوسات و علوم تجربی	زیبایی‌های محسوس
حس‌گرایان حس‌گرایان بیرونی و درونی	حواس پنج‌گانه+احساسات درونی (تجربه بیرونی و درونی)	محسوسات و علوم تجربی و پدیده‌های نفسانی	زیبایی‌های محسوس و درونی
عقل‌گرایان دکارتی مشائین	عقل (تحلیل معقولات فطری) حواس+عقل (حس و استنتاج عقلی)	علوم عقلی علوم بدیهی و نظری حسی-تجربی و عقلی	زیبایی‌های اولیه عقلی ادراک زیبایی‌های محسوس و معقول
اشراقیون و عرفا	شهود قلبی (احاطه اشراقی نفس از طریق تزکیه درون)	معرفت حضوری به واقعیات	ادراک زیبایی‌های ملکوتی
میناگرایان جامع و مانع اسلامی	معرفت‌های اولیه حضوری (فطری)+حواس+عقل+شهود مبتنی بر داوری وحی و کلام معصوم	علوم حصولی (حسی و تجربی-عقلی) +علوم حضوری(شهود درونی به حالات نفسانی+الهام+مکاشفه وحی)	ادراک ذهنی زیبایی‌های حسی و عقلی+ادراک شهودی زیبایی‌های ملکوتی و مراتب برتر وجود



شکل ۴) مراتب، ابزار شناخت و خلاقیت (نگارندگان)

موضوع است [8].
 بین تمامی نگاه‌ها و مکاتبی که به شناخت و تعریف انسان می‌پردازند تعریفی که اسلام و حکمت متعالیه ارائه می‌دهند، تعریفی کامل از انسان و ساحت‌های وجود او است. در دیدگاه حکمت متعالیه، انسان یک نوع یا گونه خاص از حیوانات یا حتی جانداران نیست، بلکه کامل‌ترین تجلی الهی است، که می‌توان آن را حی متأله، زنده خداجو تعریف کرد [9]. در حکمت متعالیه صدرايي، انسان نوع نیست، بلکه انواع است [10]. انسان خود شکل خود را تعیین می‌کند. از آنجایی که تجلیات الهی همه سطوح هستی را در بر می‌گیرد، انسان خود باید مرتبه‌اش را در هستی تعیین کند. او می‌تواند براساس حرکت جوهری از پست‌ترین مراحل وجود تا بالاترین مرحله را جایگاه خود بداند و ذات خود را به آن مرتبه تبدیل کند. این شکل حرکت در حکمت متعالیه به صورت اسفار اربعه توسط صدرالمؤتملین توضیح داده شده است. برای یک چنین سبیری قاعدتاً انسان متناظر با مراتب هستی باید از ساحت‌های گوناگونی برخوردار باشد. از دیدگاه اسلام و به تصریح کلام حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع)، انسان یک‌بعدی و یک‌ساحتی نیست، بلکه موجودی متشکل از چهار نفس یا ساحت است. حضرت امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرماید "ای کمیل! در آدمی چهار نفس است: نفس نامی نباتی، نفس حسی حیوانی، نفس ناطقه قدسی و نفس کلی الهی و هر یک از این چهار را پنج قوه و دو خاصیت است. نفس نامی نباتی، دارای قوای پنج‌گانه است: ماسکه، جاذبه، هاضمه، دافعه و مریئه و دو خاصیت آن خاصیت افزایش و کاهش است. این نفس از کبد برانگیخته می‌شود و شبیه‌ترین چیزها به نفس حیوانی است. اما نفس حسی حیوانی را پنج قوه است: شنوایی، بینایی، بویایی، چشایی و بساویایی و آن را نیز دو خاصیت رضا و غضب است و شبیه‌ترین چیزها به نفس درندگان و وحوش است. اما نفس ناطقه قدسی، برای آن پنج قوه است: فکر، ذکر، علم، حلم و هشیاری. این نفس از چیزی منبعث نمی‌شود و شبیه‌ترین چیزها به نفس فرشتگان است و نزاهت و حکمت دو خاصیت آن است. اما نفس کلی الهی دارای این پنج قوه است: هستی در نیستی، نعمت در سختی، عزت

جهان اول یا عالم هستی پیش از انسان در یک طیف از لایه‌های عمیق و باطنی هستی تا لایه‌های ظاهری و سطحی هستی، سلسله‌مراتب وجود را شکل می‌دهند.
 لایه‌های عمیق و باطنی توسط درک شهودی ادراک می‌شوند، بر مبنای عقل و تخیل در جهان دوم یعنی انسان در عالم هستی تحلیل می‌شوند و نتیجه آن که از طریق خلاقیت و طراحی لایه‌های عمیق و باطنی در جهان سوم یعنی عالم هستی پس از انسان نمود می‌یابند.
 لایه‌های ظاهری و سطحی هستی توسط درک حسی ادراک می‌شوند، بر مبنای عقل و تخیل تحلیل می‌شوند و نتیجه نمود لایه‌های ظاهری و سطحی هستی در جهان سوم خواهد بود.
 بدین‌ترتیب طیفی از سلسله‌مراتب آفریده‌های بشری از تجلی لایه‌های عمیق و باطنی هستی تا نمود لایه‌های ظاهری و سطحی هستی در جهان سوم به وجود می‌آید.
 حال هرکس به اقتضای ابزار ادراکی که انتخاب نموده، به شناخت دست می‌زند و بر مبنای آن شناخت، به مرتبه‌ای از سلسله‌مراتب آفریده‌های بشری دست می‌یابد و همان برای او واجد معنا می‌شود. زیبایی و زیبایی‌شناسی نیز از این قاعده مستثنی نیست و از همین سلسله‌مراتب تبعیت می‌کند.

انسان‌شناسی اسلامی و تبیین ساحت انفسی انسان و ماحصل زیبایی‌شناسی آنها

انسان‌شناسی، شناخت حقیقت و واقعیت انسان در مفهومی گسترده و عام است که از طریق دانش‌ها و معرفت‌های متعدد و متنوع با روش‌ها و غایت‌هایی که مورد نظر دارند، صورت می‌پذیرد. در این تعریف دو قید حقیقت و واقعیت ناظر به تفکیک میان دو مقام در انسان‌شناسی است. انسان‌شناسی ناظر به حقیقت انسان، انسان را آن‌گونه که باید باشد ترسیم می‌نماید، اما انسان‌شناسی ناظر به واقعیت انسان، انسان را آن‌گونه که هست تصور می‌کند. دانش‌های مختلف علی‌رغم وحدتشان در متعلق، یعنی انسان، از حیث روش، رویکرد و غایت با یکدیگر متفاوت‌اند، این مطلب از سویی حاکی از پیچیدگی و تودرتویی

حق است که می‌فرماید: ای نفس مطمئن خشنود و پسندیده! به سوی پروردگار خود بازگرد. و عقل در میان همه قرار گرفته است تا هر کس از خوب و بدی سخن گوید، آن را به ترازوی عقل بسنجد^[11] (جدول ۲).

در خوارگی، فقر در حالت غنا و صبر در بلا و دو خاصیت آن حلم و کرم است. مبدا این نفس پروردگار عالم است و به او نیز باز می‌گردد. خداوند در قرآن می‌فرماید: از روح خود در آدم دمیدم و نیز این آیه شریفه، دلیل عود و بازگشت نفس کلی الهی به حضرت

جدول ۲) چهار ساحت نفسی انسان سرچشمه، قوا و خواص آن از دیدگاه حضرت علی^(ع) (نگارندگان)

نفس انسان	سرچشمه نفس	قوای پنج‌گانه نفس انسان	خواص دوگانه نفوس انسان
نفس نامی نباتی	کبد	جذب‌کننده	کم و زیاد شدن، رشد (تحریک در مقابل اتفاقات محیطی)
نفس حسی حیوانی	قلب	هضم‌کننده	خنشودی و ناراحتی نفس (تحریک در مقابل اتفاقات محیطی)
خرد		دفع‌کننده	
نفس ناطقه قدسی	از چیزی سرچشمه نگرفته (شبهه نفس فرشتگان است)	پرورش‌دهنده	نگهدارنده و کنترل‌کننده
نفس کلی الهی	مبدا آن از خداوند است و به او نیز باز می‌گردد	چشیدن	لمس‌کردن
		بوییدن	
		دیدن	
		علم (دانایی)	حلم (بردباری)
		ذکر (یادآوری)	تنبه (بیداری و پندپذیری)
		فکر (تدبیر)	حکمت و نزاهت (داوری، درک خوبی‌ها، بدی‌ها، زیبایی‌ها، زشتی‌ها و گرایش به خوبی و زیبایی)
		تنعم در سختی	رضایت و تسلیم (رضایت از هستی خود و جهان و تسلیم در برابر قوانین هستی)
		عزت در ذلت	رضایت و تسلیم (رضایت از هستی خود و جهان و تسلیم در برابر قوانین هستی)
		بقا در فنا	صبر در بلا
		غنا در فقر	

مادی تا زیبایی‌های معقول و زیبایی‌های ملکوتی و تا زیبایی‌های برتر، سبیری از ظاهر به باطن و از مادی تا معنوی و روحی را می‌تواند شامل شود.

جدول ۳) انواع زیبایی (نگارندگان)

انواع زیبایی
محسوس
خیالی
معقول
ملکوتی

رابطه کمال‌خواهی و زیبایی

تلاش و کوشش هر موجود زنده، برای تغییردادن حالت موجود و رسیدن به موقعیت بهتر و برتر است، خواه آن حرکت، همراه با ادراک، شعور و اراده و خواه غریزی و غیرارادی باشد^[12]. همه ذرات و موجودات عالم هستی به سوی کمال در حرکت هستند و مسیر امر الهی را طی می‌کنند. علامه طباطبایی کمال‌خواهی را نه تنها ذاتی انسان می‌داند بلکه آن را تکوین تمام اشیا می‌شناسد^[13]. تمامی موجودات انگیزه و شوقی برای رسیدن به درجه کمالی خود دارند، که پایان خط وجودی آنها است، این انگیزه و شوق عشق نامیده می‌شود^[14]. به تعبیر فلسفی عشق میل و کششی است که انسان را به سوی چیزی که کمبود دارد یا آن را نداشته باشد (از آن به کمال تعبیر می‌کنند) می‌کشد. در این میان زیبایی و جمال جاذبه‌ای برای رسیدن به کمال است. از منظر علامه طباطبایی گرایش به زیبایی موجب ربط و انسجام انسان به حقیقت خود و موجب ایمان و اعتقاد انسان به وجود کامل می‌شود^[13]. در دیدگاه فلسفی هر معلول به علت خود نیازمند است و از آن مایه می‌گیرد، بنابراین به آن عشق می‌ورزد، جهان اساساً بر پایه علت و معلول بنا شده است. علت و معلول‌ها پلکانی هستند که از عوالم بالای هستی نزول می‌کنند تا به انسان برسند و برای رسیدن به مبدا نیز همین پلکان را عقل و روح انسان باید بپیماید تا به علت‌العلل برسد. از دیدگاه ملاصدرا بین مادیات و غیرمادیات یا مجردات رابطه‌ای مودت‌آمیز است، زیرا غیرمادی‌ها کامل‌تر و زیباترند و به دلربایی انسان مادی می‌پردازند و او را شیفته خود می‌کنند. پس علت‌ها چون منشا

از میان این چهار لایه و نفس دو نفس اول یعنی نامی نباتی و حسی حیوانی بالفعل و نفوس ناطقه قدسی و کلی الهی بالقوه هستند و به اراده و اختیار خود انسان بالفعل می‌شوند، این دو نفس گویای حقیقت وجودی انسان و تفاوت او با سایر موجودات و دلیل کسب مقام خلیفه الهی است. سیر از اولین لایه به چهارمین لایه سیر کمال است (سیر به سوی انسان کامل یا همان خلیفه‌الله‌شدن). انسان به کمک عقل و خرد خویش باید نفس ناطقه قدسی و کلی الهی را از زندان نفس نباتی و حیوانی آزاد کند تا به مقام کمال برسد.

بنابراین از آنجا که انسان چهار نفس دارد بر این مبنا چهار نگاه و گرایش به زیبایی و حاصل زیبایی‌شناسی دارد و به مرتبه‌ای که از یک لایه به لایه دیگر صعود کند، ملاک زیبایی و نگاه او به زیبایی تغییر خواهد نمود و گرایش زیبایی‌شناسانه او عوض خواهد شد.

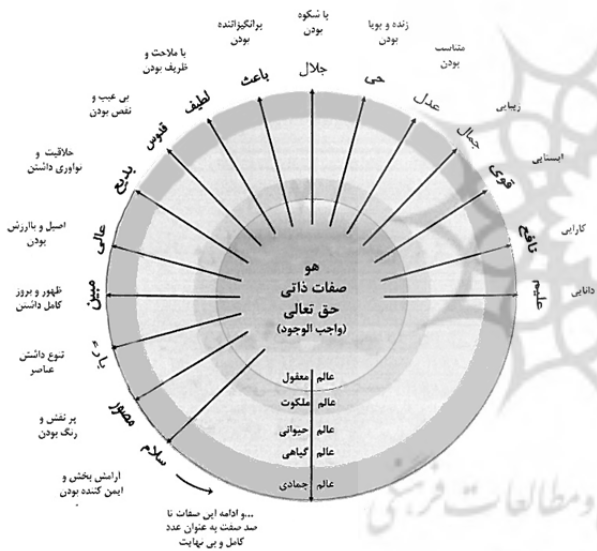
برای نفس گیاهی ادراک حیات فیزیکی، مکانیکی و زیستی زیبا است و از حیات و رشد لذت می‌برد. برای نفس حیوانی ادراکاتی که از طریق حواس پنج‌گانه حاصل می‌شود زیبا است و از لذت‌های غریزی مسرور می‌شود. اما نفس عاقله یا ناطقه قدسی ادراک از طریق تفکر و تعقل را زیبا می‌داند و از فهم و درک حقایق هستی و هر آنچه این فهم را متبادر می‌کند لذت می‌برد. بالاخره نفس روحانی یا کلی الهی ادراک از طریق جان و روح را زیبا می‌شناسد و از صبرورت جوهری و انبساط ناشی از ارتباط با وجودهای برتر، که برترآمدن وجود را در پی دارد لذت می‌برد.

انواع زیبایی

با عنایت به مطالب و مفاهیمی که تا بدین‌جا مطرح شد و نتایج حاصل از بررسی تطبیقی انواع مکاتب انسان‌شناسی از بعد معرفت‌شناسی و ماحصل زیبایی‌شناسی آنها، دیدگاه جامع و مانع حکمت متعالیه صدرایی و نیز تعریف و تبیینی که از ابعاد وجودی انسان در راستای انسان‌شناسی اسلامی صورت گرفت می‌توان زیبایی‌ها را در چهار نوع و گروه دسته‌بندی نمود که هر کدام برآمده از یک شیوه و ابزار معرفت و یکی ابعاد وجودی انسان است (جدول ۳).

بنابراین زیبایی‌ها در سطح هستی یک‌بعدی و یگانه نبوده و بر حسب مراتب وجود از سطح به عمق، انواع دارد و از زیبایی‌های

او به سوی هدف غایی و جاذبه‌ای باشد به سوی کمال و آن جاذبه همان زیبایی است و تبیین شده زیبایی برخوردار از مرتبه وجودی بالاتر است. هر اثر شهری و معماری که اسما و صفات زیبای حقیقی و ذات واجب را بیشتر در خود داشته باشد و جلوه‌گر نماید کامل‌تر است و از مرتبه وجودی کامل‌تری برخوردار است، بنابراین زیباتر است. پس اولاً، انسان‌ها اگر می‌خواهند محیط، کالبد و بستری را فراهم کنند که به سوی کمال رهنمون شود و در عین حال نیازهای طبیعی و مادی آنها را نیز تامین کند، بایستی آن را زیبا بسازند که لازمه آن دقت در اسما و صفات زیبای مطلق و سعی در ظهور و جلوه‌بخشی آنها در آثار معماری و شهرسازی خود است و ثانیاً اگر می‌خواهند شاخص ارزیابی داشته باشند که کدام اثر زیبا و کدام یک زیباتر است، باید آن اثر را به اسما و صفات حسن عرضه کنند، هر چه آن اثر صفات و اسمای مذکور را بیشتر متجلی کرد بنابراین زیباتر است. برای مثال ممکن است که یک اثر نو و بدیع باشد، اما استوار و متعادل نباشد یا یک اثر برانگیزاننده و با عظمت باشد، اما مفید نباشد، که هر کدام از اینها مرتبه‌ای از وجود را دارند و در یک سلسله مراتب از زیبایی قرار می‌گیرند (شکل ۵) [3].



شکل ۵) نمادی از زیبایی‌شناسی اسلامی مبتنی بر اسماء الحسنی الهی و مراتب وجود [3]

بر این مبنا با بهره‌گیری از دو بعد انواع زیبایی و صفات حسن، که اولی برگرفته از معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی و دومی برگرفته از هستی‌شناسی و شناخت وجود مطلق است، جدول ۴ به‌عنوان معیار ارزیابی زیبایی آثار معماری و شهرسازی و حتی سایر آثار هنری از منظر اسلامی معرفی می‌شود، که در آن میزان بهره‌گیری هر اثر از یک صفت بررسی و انواع و مراتب ظهور آن صفت ارزیابی شده و ارزش نهایی آن به‌صورت نسبی مشخص می‌شود (جدول ۴).

بنابراین یک اثر معماری و شهرسازی برای زیباتر بودن و وجود کامل‌تری داشتن، باید هم‌زمان تعداد بیشتری از این صفات را در خود داشته باشد و بر این مبنا در یکی از سطوح انواع زیبایی قرار می‌گیرد و این سیر به سوی تجلی زیبایی‌های ملکوتی و والاتر ادامه دارد.

وجود و سبب هستی هستند دارای جمال نیز می‌باشند و هر چه علت کامل‌تر و بالاتر باشد، دارای درجه وجودی قوی‌تر و در نتیجه زیبایی و دلفریبی بیشتر است. رابطه وجود با زیبایی را از این‌جا می‌توان فهمید که وقتی عیب و زشتی را تحلیل فلسفی نماییم مشاهده می‌کنیم که زشتی در واقع به فقدان، کمبود و نبود برخی اوصاف و امتیازات و زیبایی‌ها باز می‌گردد [15]. بنابراین تحلیل، به این تعریف از زیبایی از حضرت امام خمینی (س) می‌رسیم که "زیبایی یعنی وجود به نسبت قوت آن" [16]. پس زیبایی‌خواهی یعنی گرایش به کمال، گرایش به وجود برتر، آنکه و آنچه کامل‌تر است و زیباسازی طلب کمال‌کردن، مشابه‌شدن و سیرکردن به سمت وجود کامل‌تر که زیبایی بیشتری دارد.

سرچشمه زیبایی در فرهنگ اسلامی

وجود منشا کمال و جمال است و سرچشمه این جمال و کمال خود، واجب‌الوجود است، که یگانه و وجود مطلق است [17]. هر آنچه به ظاهر دارای هستی است سایه‌هایی از وجود و از برکات اوست. ذات مقدس خدا، حقیقت و اصل وجود است و همه هستی‌ها از او مایه می‌گیرند، هر آنچه زیبا است نزولی، تجلی، از پرده برون‌آمده گوشه‌ای از زیبایی‌های او و جلوه حرکت معنوی از باطن به ظاهر است. ذات باری تعالی به اسما و صفات حسن شناخته می‌شود که البته در وجود، همه یگانه‌اند و قابل تفکیک نیستند. تمام مظاهر هستی و زیبایی‌های خلقت جلوه‌ای از این صفات و اسمای حسن الهی هستند، بنابراین هر چه این صفات و اسما بیشتر در آنها متجلی باشد، وجود کامل‌تری دارند و بنابراین زیباتر هستند. حال اگر قرار باشد حرکت استکمالی و به سوی زیباتر شدن صورت گیرد بدان معنی است که باید هر چه بیشتر این صفات و اسمای حسن که اصلی‌ترین آنها در قرآن، در صد صفت مطرح شده است و به شکلی گسترده همه صفات حسن مطرح شده در مکاتب مختلف را در خود جای می‌دهد، متجلی شود تا وجود کامل‌تر آید و بنابراین زیباتر شود.

زیبایی‌آفرینی انسان و خلق آثار شهرسازی، معماری و ارزیابی آنها

به تصریح آیات قرآن کریم، مانند آیه ۳۹ سوره فاطر و آیه ۷۰ سوره اسراء، انسان جانشین و خلیفه خداوند در زمین است که بر بسیاری از مخلوقات برتری داده شده است و زمین به‌عنوان محل زندگی او قرار داده شده، اما این محل دایمی و جاودان نیست. سیر انسان به سوی کمال است به سوی میدا روحانی خود، او را سفری باید، از تنگنای تیره ناسوت تا گستره لایتناهی جبروت و این زمین به‌عنوان ممر و مکان آماده‌شدن و صلاحیت یافتن او برای ورود به حیات جاوید ایفای نقش می‌نماید. بنابراین مهم‌ترین ضرورت نیز بهره‌گیری مناسب از جهان و اجزا آن برای وصول به این هدف والا است [18].

انسان خلیفه‌الله است و این خلیفه‌بودن ایجاب می‌کند که در سیرت و صورت و جمله رفتار، اعمال، افعال و آثار، متجلی‌گر صفات حسن الهی باشد. این خاصیت جانشین‌بودن است که اگر غیر از این باشد دیگر نمی‌توان به او جانشین و خلیفه گفت. شهر و آثار معماری انسان، شاخص‌ترین و مهم‌ترین موجود ساخته و پرداخته و مصنوع انسان خلیفه‌الله است و بارزترین بستر، محمل، محیط رفتار و بروز فعالیت‌هایش و بنابراین این بستر با تمام اجزا و ارکانش باید محل کمال‌گرایی انسان و سوق

مفاهیم حسن	نافع	قوی	بدیع	باعث	عدل	جلیل	قدوس	لطیف	حی
نوع تنبیهی	مفرد	با استحکام	نو	پراگندگی‌زا	مناسب	باعظمت	بدون نقص	با لطافت	زنده و پویا
زیبایی‌های مادی									
زیبایی‌های معنوی									
زیبایی‌های ملکوتی									
زیبایی‌های برتر									

بلکه موضوعات یا ویژگی‌های درونی یا بیرونی آنها در اثر تحول زمان و شرایط آن تحول می‌یابند و در این صورت باید احکام آنها نیز به تبع موضوعات تحول یابند^[21] (جدول ۵).

مگر نه این است که موارد مربوط به شهرسازی، معماری، خلق آثار هنری و ارزیابی آنها از موارد مورد اختلاف و تفاوت در رای و نظر است؟ بنابراین طبق این حدیث گهربار اصول و مفاهیم این حوزه‌ها باید از منابع موثق دینی یعنی قرآن و عترت استخراج شود و در فرعیات این وظیفه متخصصان است که با اجتهاد تفریعی، مصادیق آن اصول را تبیین نمایند و برون‌رفتی صحیح از مورد اختلافی بیابند.

بنابراین با به‌کارگیری اجتهاد تفریعی و از طریق اصول ده‌گانه آن در مکتب تشیع که در جدول ۵ مطرح شده، این امکان فراهم می‌شود که جمله هنرمندان، شهرسازان و معماران بتوانند ایده‌های خود را در شرایط مختلف زمانی و مکانی جامه صورت ببوشند و در این میان آن اصول و مفاهیم برشمرده را نیز در زیبایی‌آفرینی و خلق آثار معماری و شهرسازی پاس دارند و به آنها عمل کنند. از این طریق است که می‌توان ایدئالیسم را با رئالیسم و حقیقت را با واقعیت توأمان دید، تطبیق داد و به خلق آثار و زیبایی‌هایی پرداخت که هر کدام در شرایط مکانی و زمانی خود کامل هستند.

در شکل ۶، فرآیند خلق آثار مثبت، منفی انسان و چگونگی دستیابی به فضای زیستی تعالی بخش از رهگذار اصول، مبانی و مفاهیم نظری اسلام در باب زیبایی‌آفرینی و تسری و بسط آنها از طریق اجتهاد تفریعی نشان داده شده است.

جدول ۵) اصول ده‌گانه اجتهاد در مکتب تشیع^[6]

قاعده ملازمه عقل و شرع	ابزار اجتهاد، عقل است، احکام عقلی همان احکام شرعی است و رعایت دستاوردهای آنها الزامی است.
قاعده بقای اصول	اصول نظری و عملی بیان‌شده توسط سنت نبوی برخاسته از فطرت، و بی‌زمان هستند. فروع و جزئیات (روش‌ها و خلق آثار)، در پرتو اصول ثابت، با تفریع عقلی قابل استنتاج، اجتهاد تخصصی و حرفه‌ای هستند.
قاعده نسبیّت	فروع (روش‌ها و آثار) براساس مقتضیات زمان و مکان کاملاً نسبی هستند.
قاعده جامعیت و وسطیت (عدالت)	فروع باید همه جوانب و ساحات مختلف انسانی (و مجموع شرایط زمانی و مکانی) را در نظر بگیرند، زیرا اجزا و عناصر آن متکثر و تأثیرپذیر هستند.
قاعده اولویت و مصلحت	فروع باید با توجه کامل به اولویت‌ها و مصلحت‌ها شکل گیرند (در شرایطی که حقوق عناصر مختلف متضاد هستند).
قاعده هماهنگی با قوانین حاکمه	فروع نباید معارض با قوانین حاکمه و اصول دارای حق وتو باشند (مانند اصل لاضرر و لاضرار در اسلام). هر نوع ضرر و زیان به غیر حرام تلقی می‌شود.
قاعده احکام خمسّه تکلیفیه	فروع باید در اجرا، براساس احکام خمسّه، تعیین اولویت و ضرورت کنند (حلال، مستحب، مباح، مکروه و حرام)
قاعده حوزه‌های آزاد	فروع نباید حوزه‌هایی را که خداوند انسان‌ها را آزاد گذاشته محدود کنند. (احکام مباح)
قاعده احکام ثانویه و اضطراری (احکام حکومتی)	فروع (روش‌ها و آثار) و حتی اصول اولیه می‌توانند با نظر و اختیار ولی فقیه به‌طور موقت تغییر نمایند (با توجه به مجموع شرایط اضطراری و مصلحتی)

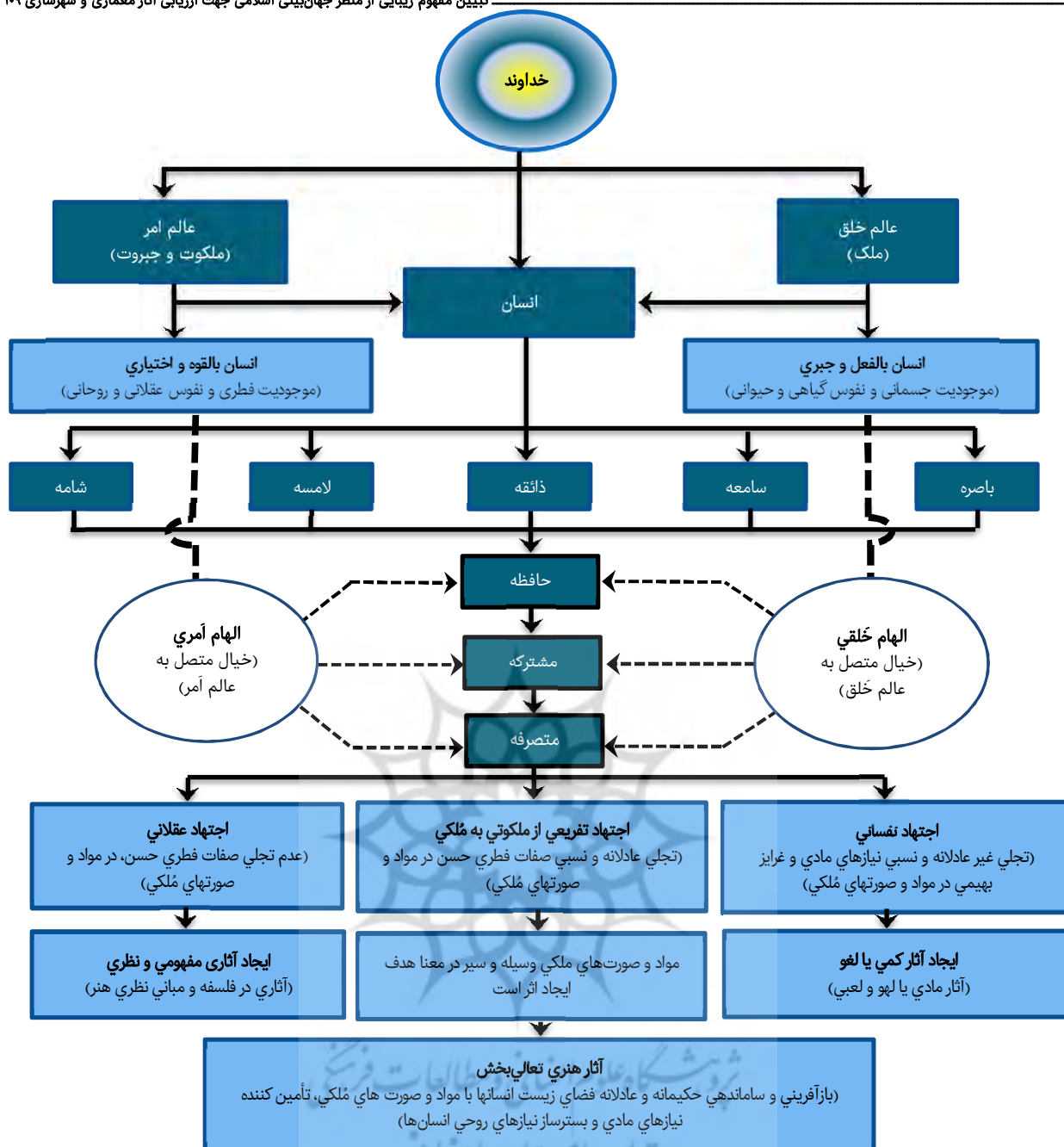
راهکارهای کاربردی و عملی تبدیل اصول مفهومی و راهبردی به آثار معماری و شهرسازی

مساله و نکته مورد توجه و مورد پرسش این است که تبدیل این اصول و مفاهیم در حیطه عمل و اتخاذ روش‌ها و شیوه‌های عملی و مناسب، در شرایط زمانی و مکانی مختلف چگونه است؟ چگونه می‌توان این مفاهیم را در زمان‌های گوناگون و مکان‌های مختلف که هر کدام شرایط و ویژگی‌های خاص خود را دارند تسری داد و از آن اصول و مفاهیم تخلف نجست؟ چگونه می‌توان نیازهای جدید را پاسخ گفت و در عین حال نیازی به ساختار شکنی اصول نظری نداشت؟

در این زمینه اسلام ابتدا مجموعه‌ای از اصول ثابت، باید‌ها، نبایدها، ارزش‌های اخلاقی و نیز احکام پنج‌گانه حلال، مستحب، مباح، مکروه و حرام را تبیین می‌کند، که به‌صورت کلی و مشترک باید در کلیه فرآیندهای انسانی، اعم از معماری و شهرسازی، همواره مد نظر باشد. این مجموعه ارزش‌ها و احکام در بعد مثبت خود همان یکصد صفت حسن‌الهی، که انسان همواره باید در جمیع اعمال و رفتار خود متخلق به آنها باشد و در بعد منفی احکامی نظیر حرام‌بودن هر کار بدون علم، کار پوچ و لهو، فخر فروشی، ایجاد ضرر و زیان و غیره است.

در مرحله بعد از تبیین احکام پنج‌گانه و مجموعه اصول ثابت، در جهت اتخاذ روش‌ها و شیوه‌های عملی در جهت تبدیل ایده‌ها به مظاهر و جلوه‌های مادی و صوری، در شرایط مختلف زمانی و مکانی راه حلی به نام اجتهاد را توصیه می‌کند.

حضرت امام صادق^(ع) در حدیثی می‌فرماید "ما من أمر یختلفُ فیهِ اثنان الا و له أصلٌ فی کتاب الله عزّوجل و لکن لا یبلّغه عقولُ الرّجال؛ هیچ امر مشکل و اختلافی وجود ندارد که دو نفر درباره آن متفاوت نظر دهند، مگر آن که برای حل آن اصلی در کتاب خدا است، اما عقول غیررشید مردم به آن دست نمی‌یابند"^[19] و پس از آن می‌فرماید "القاء آن اصول از کتاب برعهده ماست" لذا در کلام دیگری می‌فرماید "علینا إلقاء الاصول و علیکم بالتفریع، بر ماست به بیان اصول و بر شماست به تفریع"^[20]. از این احادیث ابزاری به نام اجتهاد تفریعی و تطبیقی استنباط می‌شود، اجتهادی که برای شناخت فروع اصول و مصادیق قوانین کلیه احکام و ارتباط بین فروع، اصول و مصادیق قوانین کلی احکام به کار گرفته می‌شود. این اجتهاد فروع تازه را از هر نوع و قسمی که باشد به اصول پایه بازگشت داده و قوانین کلی را بر مصادیق خارجی آنها منطبق می‌کند. این نوع اجتهاد مبتنی بر این اساس است که، احکام شریعت با تحول زمان و مظاهر جدید آن هیچ‌گاه تحول نمی‌یابد،



شکل ۶) فرآیند خلق آثار مثبت و منفی انسان و چگونگی دستیابی به فضای زیستی تعالی بخش (نگارندگان)

نتیجه‌گیری

حسن و زیبایی در فرهنگ اسلامی متناظر مفهوم وجود، مراتب وجود و خالق وجود است. زیبایی برحسب مراتب وجود انواع دارد و از آنجا که همه مراتب وجود در یک سطح نیستند برای معرفت به آنها، ابزار معرفتی گوناگونی به انسان داده شده است و به میزان استفاده و بهره‌مندی هر کدام از ابزار، یکی از این مراتب و بالتبع انواع زیبایی درک و شناخته می‌شود. وجودهای برتر زیبایی غنی‌تر و بسیط‌تری دارند، بنابراین لذت و سرور ناشی از ادراک زیبایی‌های آنها عظیم‌تر و پایدارتر است. بنابراین در تعریفی جامع و مانع از زیبایی می‌توان این‌گونه بیان کرد که "زیبایی منبعث از ادراک موجوداتی حقیقی است، که در عالم ماده با صورت‌های مادی به‌وسیله حواس پنج‌گانه و در عالم معقول با صفات مفهومی به‌وسیله عقل و در عالم ملکوت به وسیله دل (روح)، به نسبت قوه و ظهور وجود و ظرفیت مخاطبین ادراک می‌شود. روح انسان

به‌عنوان خلیفه و جانشین خداوند در زمین، کمال‌گراست و از این جهت هر چه و هر که از وجود کامل‌تری برخوردار باشد در نظر او زیباتر و به غایت مورد نظر نزدیک‌تر است. جامع‌ترین توصیفی که از گرایش‌های ذاتی انسان به سوی کمال مطلق و معبود یکتا شده است، در قرآن مجید با آرایه یکصد صفت حسن از صفات و اسمای حضرت حق بیان شده است. هر اثری که این صفات را بیشتر در خود داشته باشد یعنی وجود کامل‌تری دارد، بنابراین زیباتر است و انسان به‌عنوان خلیفه خداوند در زمین، در خلق آثار خود، که آثار معماری و شهرسازی نیز از آن جمله هستند و تأثیری بس شگرف در سیر او به سوی کمال دارند، زیرا بستر و ظرف بروز رفتارهای او هستند و بر آن تأثیر می‌گذارند، بایستی این صفات و اسما را به ظهور و تجلی برسانند و هر چه این صفات و اسمای بیشتری در اثر او متجلی باشد، آن اثر معماری و شهرسازی زیباتر است نسبت به اثری که برخورداری کمتری از آن اسما و صفات دارد و این شاخص

- understanding of certainty in religion. Ravaq e Andisheh. 2005;(38):76-102. [Persian]
- 6- Noghrekar A, Hamzeh Nezhad M, Ranjbar Kermani AM. Introduction to Islamic identity in architecture and urbanism. Tehran: Payam Sima; 2008. p. 94. [Persian]
- 7- Khorshidi S. Formation of sadrain culture theory. Ma'rifat i Farhangi Ejtemaii. 2012;3(1):129-52. [Persian]
- 8- Rezazadeh R. Introduction to anthropology of Mulla Sadra. Kheradnameh Sadra. 2000;(19):84-8. [Persian]
- 9- Javadi Amoli A. Human expectation of religion. Pasdar e Eslam. 2001;(233):6-9. [Persian]
- 10- Motahhari M. Collection of works of shahid Motahhari master. 2nd Volume. 2nd Edition. Tehran: Sadra; 1999. p. 314. [Persian]
- 11- Meghdadi Isfahani A. Trace of traceless. Tehran: Jomhuri; 1995. p. 203. [Persian]
- 12- Javadi Amoli A. Politeness, inexistence of relatives: Explanation of great comprehensive ziyarat. 3rd Volume. 7th Edition. Safaei M, editor. Qom: Asra; 2013. [Persian]
- 13- Mousavi Moghaddam SR, Ali Zamani AA. Realms of human existence from viewpoint of Allameh Tabatabai. Andishe e Novin e Dini. 2012;7(27):53-76. [Persian]
- 14- Mollasadra. Asfar. 7th Volume. 1st Edition. Tehran: Sadra Islamic Philosophy Research Institute Publication; 2001. p. 197.
- 15- Khamenei SM. Religious art [Internet]. Tehran: Sadra Islamic Philosophy Research Institute; 2014 [cited 2014 Nov 09]. Available from: http://www.mullasadra.org/new_site/persian/Mullasadra/Maktab/Vojud%20Shenasi.htm
- 16- Khomeini R. Commentary of the dawn dua. 4th Edition. Fahri A, translator. Tehran: Ettelaat; 1995. p. 56. [Persian-Arabic]
- 17- Shahab al-Din Yahya Ibn Habash Suhrawardi. Ishraq wisdom. 1st Edition. Sajjadi J, translator. Tehran: University of Tehran; 1976. p. 246. [Persian]
- 18- Naghizadeh M. Islamic city and architecture. Isfahan: Mani; 2008. p. 64. [Persian]
- 19- Mohammad Ibn Ya'qub al-Kulayni. The sufficient book (Kitab al-Kafi). 1st Volume. 1st Edition. Tehran: Islamic Scientific Bookstore; 1990. p. 78. [Persian-Arabic]
- 20- Mirkhani ES. Dynamic Ijtihad methods in the teachings of the Infallible Imams. Fam Law Jurisprud. 2003;8(29):5-43. [Persian]
- 21- Jannaati ME. Theory of adoptive and ramified Ijtihad. Polit Sci. 2003;(21):19-50. [Persian]

و معیار تمییز و قیاس زیبایی‌ها است. در مورد اینکه به چه شیوه‌ای و چگونه اصول و مفاهیم، زیبایی و زیبایی‌شناسی و یکصد صفت حسن الهی در شرایط گوناگون زمانی و مکانی، در آثار معماری و شهرسازی متجلی شوند، اسلام ابزار اجتهاد تفریعی را تبیین نموده که در آن با بهره‌گیری از اصول ده‌گانه اجتهاد، رویدادها و مظاهر جدید زندگی در بستر زمان، در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره، که بر خلق نوع آثار معماری و شهرسازی تاثیر جدی دارند، بر ادله اصلی، یعنی اصول و مفاهیم ثابت عرضه می‌شوند و تطبیق آن بر شاخه‌ها و مصادیق جزئی (فروع) صورت می‌گیرد و احکام لازم برای هر موضوع استخراج می‌شود. اجتهاد تفریعی تجلی عادلانه و نسبی صفات فطری حسن در مواد و صورت‌های ملکی را میسر می‌کند و در حقیقت ملکوت را به ملک پیوند می‌دهد و از این رهگذار بازآفرینی و ساماندهی حکیمانه و عادلانه فضای زیست انسان‌ها با مواد و صورت‌های ملکی، تأمین‌کننده نیازهای مادی و بسترساز نیازهای روحی انسان‌ها صورت می‌گیرد که این‌چنین فضای زیست و شهری را می‌توان به‌صورت نسبی به نام شهر اسلامی مفتخر نمود، که به سوی کمال سیر دارد و محمل کمال‌گرایی انسان می‌شود.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان یافت نشد.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان یافت نشد.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان یافت نشد.

سهم نویسندگان: رامین خورسند (نویسنده اول)، نگارنده مقاله/پژوهشگر اصلی (۵۰٪)؛ (نویسنده دوم)، روش‌شناس/پژوهشگر اصلی (۵۰٪)

منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان یافت نشد.

منابع

- 1- Fayyaz E. From aesthetics to epistemology. Pegah Hawza. 2007;(208):2-3. [Persian]
- 2- Motahhari M. Collection of works. 5th Volume. 12th Edition. Tehran: Sadra; 1999. p. 158. [Persian]
- 3- Noghrehkar A. Human perceptual interaction with geometric-spatial ideas in architecture. Tehran: Amirkabir; 2014. [Persian]
- 4- Motahhari M. Collection of works of shahid Motahhari master. 13rd Volume. 5th Edition. Tehran: Sadra; 1999. p. 343. [Persian]
- 5- Ali Tabar Firoozjaie R. Possibility of cognition and